

## ماهیت ، نقش و اهمیت فهرست در نظام کتابخانه<sup>۱</sup>

نوشته س. گ. ویسواناتان

ترجمه محمد جواهر کلام

فهرست کتابخانه ، صورتی از کتابها و سایر مواد خواندنی موجود در یک کتابخانه یا چند کتابخانه است . این صورت معرف کتابهایی را دربر می گیرد که طبق یک طرح معین مرتب شده اند . تفاوتش با کتابشناسی در این است که فهرست صورتی است که منابع یک مجموعه ، یک کتابخانه یا منابع مجموعه ای از کتابخانه های یک ناحیه یا یک کشور را ثبت ، توصیف و نمایه می کند . فهرستنویسی به مراحل عملیات گوناگونی گفته می شود که برای تهیه معرفهای مواد خواندنی در یک مجموعه و نگهداری آن انجام می شود . فهرستنویسی و رده بندی ، دو مرحله عملیات ملازم یکدیگر است که در تشکیلات کتابخانه های نوین جهت کمک به خوانندگان در امر بازیابی سریع و راحت کتابها یا مواد خواندنی مورد نظرشان پذیرفته شده است . مقصود از این دو کار ، مربوط ساختن ویرایشهای مختلف اثر معینی در یک کتابخانه ، با آثار مختلف یک نویسنده<sup>۲</sup> معین در همان کتابخانه و عرضه کردن آنهاست . نظر به اهمیتی که فهرست در دستیابی به منابع کتابخانه دارد ، مبالغ هنگفتی صرف تهیه آن می شود و فهرستنویسان خیره ای برای انجام آن استخدام می شوند .

« فهرست کتابخانه ، به خودی خود هدف نیست یا نباید باشد ، یکی از اجزای نظام کلی کتابشناسی است و باید نسبت به تغییراتی که در اجزای دیگر نظام حاصل می شود واکنش نشان دهد .»<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> این مقاله ترجمه کامل فصل اول کتاب زیر است :

1965. . ASIA Publishing House , 3<sup>rd</sup> edition . Bombay , Cataloguing : Theory and Paractice. C.G. Viswanathan

بررسیهایی که در مورد فهرست و فهرست‌نویسی انجام گرفته است، به تغییرات تدریجی در شکل، سبک و شیوه تهیه فهرستها اشاره دارد. روشی که خواننده برای جستجوی کتاب و خواندن آن دارد ظواهر فیزیکی کتاب و پیشرفتی که در زمینه رده بندی حاصل شده، همه اینها بر تهیه فهرست

کتابخانه اثر گذاشته اند. «با این وصف، به سبب فهم ناقصی که از سرشت فهرست و نیز وظایف و جایگاه آن در نظام کلی کتابخانه وجود داشته، تغییرات اصلاحی ای که در آن صورت گرفته، بی آنکه لزومی داشته باشد، کند و گاهی اوقات ناکافی بوده است.»<sup>۲</sup> عملکرد فهرست‌نویسی، از همان آغاز به مجموعه قواعدی بستگی دارد که هر کتابخانه از آن پیروی می کند. مثلاً موزه بریتانیا دارای مجموعه قوانین مخصوص به خود است که در سال ۱۹۳۶ ویراسته و چاپ شده و نامش «قوانین تهیه فهرست کتابهای چاپی، نقشه و موسیقی در موزه برتانيا» است، و کتابخانه کنگره نیز قواعد ویژه خود را دارد. «به رغم این حقیقت که از فهرست‌نویسی به عنوان یک هنر یاد می شود، ولی همچنان که سیمور لوبتسکی Seymour Lubtzky نیز اشاره کرده است، همین قواعد هستند که به فهرستهای ما شکل داده و سود مندیشان را تضمین کرده اند.»<sup>۳</sup>

کهنترین شکل شناخته شده فهرست کتابخانه، نشان می دهد که صرفاً به این منظور تهیه شده که از آن همچون سیاهه یا صورت ساده ای از منابع موجود در کتابخانه استفاده شود. «لیستهای پیناک Pinakes که کالیماخوس Callimachus طرحشان را در اسکندریه ریخت، احتمالاً تنها شامل آن مولفانی بود که به اسامی آنها در کتابخانه ای که با آن در ارتباط بود بر می خورد. بنابراین، لیستهای مزبور را می توان فهرستهای رده ای برای آن موضوع بخصوص دانست.» از این لیستها آشکار میشود که کالیماخوس، در جریان کار فهرست‌نویسی و رده بندی، ذهن تحلیلگر و نقاد خود را به کارمیگرفته است و به همین دلیل است که این فهرست برای فهرستنویسان جدید اهمیت دارد. کالیماخوس، در فهرست خود نام مؤلف و زادگاه او، سپس نام پدر، نام آموزگاران و میزان تحصیلات، لقب یا اسم مستعارش، شرح حال مختصر و آنگاه عنوان اثر یا آثارش را ذکر می کند. برای اثری که فاقد عنواناست، از خود، عنوان ساخته و سپس نظر خود را در مورد میزان اصالت اثر و صحت انتسابش به مؤلف به دنبال آورده است. کالیماخوس در پایان، حاشیه ای اضافه می کند که نخستین کلمات اثر (غالباً کلمات عنوان قدیم) و تعداددقیق سطور دستنویس (هر اثر و مجموع نوشته های مؤلف) در آن آمده است. داده اخیر، یکی از داده های مهم کتابشناسی بود که هم، به کار کنترل ابعاد دستنویس و تعیین حق الزحمه نسخه بردار می آمد، و هم در وقت عام و معمول قابل استفاده بود. «شکی نیست که ما مفهوم کامل معرف مؤلف را از یونانیان گرفته ایم، زیرا در هیچیک از آثاری کهاز تمدنهای دیرینه تر شرق بر جای مانده، این مفهوم را نمی توان دید، حتی امروز هم در شرق. سرشناسه رایج و معمول کتاب عنوان آن

است . «<sup>۵</sup> بیشتر نوشته های نویسندگان معروف شرق از طریق عنوانشان بهتر شناخته شده اند تا از طریق نام نویسندگان - از جمله : راگهو وامسا [ ی ] بنا ، ولی لواتی [ ی ] لهاسکارا چریا\* . احتمالاً به این دلیل که معمولاً خوانندگان کتاب را بیشتر زیر عنوان یا موضوع آن جستجو می کردند ، تا زیر نام نویسنده آن . و این دیدگاه غیر شخصی و عینی خوانندگان شرقی را میرساند که ظاهراً برتر از دید ذهنی است . اگر نمایشنامه های شکسپیر را شخص دیگری بجز او ، اما با همان نفاست و دلچسبی او مینوشت ، آیا مردم آنها را نمی خواندند و بر آنها ارج نمی نهادند ؟ نمی توان گفت که انتخاب معرف عنوان برای اثر نویسنده ، حاکی از شیوه نگرشی غیرطبیعی و غیردمکراتیک است . ظاهراً کالیما خوس ، این تقسیمات اصلی از دانش را که به دنبال می آید برای رده بندی دست نویسهها به کار گرفته است :

۱. حماسه و اشعار غیر دراماتیک ۲. تئاتر ۳. قوانین ۴. فلسفه ۵. تاریخ ۶. فن خطابه ۷. پزشکی ۸. علوم ریاضی ۹. علوم طبیعی ۱۰. متفرقه

نویسندگان به نظم الفبایی نامهایشان ، زیر رده ای از دانش که آثارشان به آن مربوط می شد مرتب می شدند . پیناکس ( به معنای لوحه گلی ) در جوار گنجه های کتب دیواری نگهداری میشد . « بدین ترتیب ، لوحه های گلی ( پیناکس ) ، نخستین فهرست بزرگ کتابخانه ای تمدن غرب بود همچنانکه کتاب مقدس چاپ گوتنبرگ نخستین کتاب بزرگ چاپی آن محسوب می شد . چنین شد که یونانیان مثل همه تلالشهای فکری دیگرشان ، اصول فهرستنویسی را کم و بیش در نظامکتابخانه کنگره ، نظامهای اروپایی و نظامهای دیگر از آن پیروی شده ، تحکیم بخشیدند ، با این وصف پیناکس چیزی بیش از یک فهرست بود ، اثری بود که به دست یکی از مشاهیر عصرش تدوین یافته است . .. آن چنان که فقدان ۱۲۰ جلد اصلی آن ، فاجعه بزرگی برای آموزش فهرستنویسی شمرده میشود . بار دیگر باید تأکید کرد که نیاز به ۱۲۰ جلد گرانبهای کالیماخوس ، حتی بیش از نیاز به تاریخ (( لوی\* بزرگ )) است . ۶

فهرست کتابخانه دیرسن فرانسیس که تاریخ تدوین آن اول ژانویه ۱۳۸۱ است ، نشان می دهد که کتابخانه ، به دو قسمت تقسیم شده بود : یکی برای استفاده برادران کلیسا ( Brethern ) و دیگری برای امانت مراجعان خارج از دیر . در دیباچه کوتاه فهرست چنین نوشته شده که فهرست به «تمام کتابهای کتابخانه مقدس دیرسن فرانسیس تعلق دارد ، خواه این کتب به صورت مسلسل منتشر شده باشند خواه به صورت غیر مسلسل » « گرد آورنده فهرست ، گنجه های کتابخانه را یکی پس از دیگری برر سی

---

\* Raghuvamsa of Kalidasa ; Kadambri of Bana; Leelvati of Bhaskaracharya

\* لوی (۵۹) Levi قبل از میلاد ) ، مورخ رومی ، کتاب ۱۴۲ جلدی او یکی از منابع مهم تاریخ روم شمرده می شود . - م .

میکنند و محل هر گنج‌ها را ( حد اقل در کتابخانه لاتین ) و موضوع کتابهای آن گنج‌ها و عناوینشان را تدوین می‌کند و به دنبال آن ، به شمارش تعداد جلدهای کتابخانه رویهم رفته چقدر است .»<sup>۸</sup> نمونه‌های بالا ، از فهرستهای دوره اولیه و دوره میانه تاریخ کتابخانه ، نشان می‌دهد که فهرست ، پیش از آنکه سابقه و دفتر ثبت مشخصاتی مورد استفاده عموم مردم باشد ، سابقه‌ای بود برای کتابداریا به کار حفاظت و حراست کتابها می‌آمد . این نمونه‌ها در ضمن نشان می‌دهند که تعداد کتابها یا دستنویسهای کتابخانه‌های مذکور اندک بوده و این تعداد اندک ، مسائلی را که امروز کتابخانه‌های بزرگ ملی ، دانشگاهی و عمومی با میلیونها جلد با آن رو به رو هستند به وجود نمی‌آورد . علاوه بر این ، استفاده از کتابخانه محدود به گروههای معینی از مردم بوده است . بساری از کتابخانه‌های قرون وسطی ، چنان مجموعه کوچکی داشتند که ضرورتی برای تهیه لیستی از آنها ( از هر نوع که بود ) احساس نمی‌شد . در بسیاری از موارد ، صورتهایی که تهیه می‌شد ، چیزی جز یک سیاهه<sup>۹</sup> درهم برهم موجودی کتابخانه نبود . کتاب از داراییهای گرانبها محسوب میشد و از زمره ذخایر هر خانه به شمار می‌آمد . پس می‌باید از آنها محافظت میشد . تاکید بر ارزش مادی کتاب در بسیاری از بایگانیهای کتابخانه تا قرن شانزدهم ادامه داشت . سازمانهای غیر دینی نیز ، همان شیوه کلیسا را در پیش گرفتند و شروع به امانت دادن کتابهای خود کردند ، اما این کار فقط در قبال وثیقه و ضمانت انجام می‌دادند . در این مورد ، نمونه مشهوری از یک برگه امانت برای گرفتن یکی از کتابهای پزشکی از مدرسه پزشکی پاریس موجود است که به طرزی بارز و حیرت انگیز ، ارزش مادی کتابها و دستنویسها را می‌رساند . تا زمانی که لویی یازدهم ، پادشاه فرانسه کتابی در زمینه پزشکی از این کتابخانه می‌خواست ، پیش از آنکه کتاب را به او امانت دهند ، از او درخواست کردند که سپرده‌ای معادل ۱۲ مارک و ۱۰۰ سکه طلا ودیعه بگذارد . شاه این مبلغ را به ودیعه گذاشت و کتاب را به امانت گرفت . پس از استفاده آن در تاریخ ۲۴ ژانویه ۱۴۷۲ پس داد و مبلغ مزبور را هم به او برگردانده شد . بعضی از کتابخانه‌های رهبانی نیز بودند که از کتابهای خود صورت بر می‌داشتند ، اما این صورت برداری برای فهرستنویسی نبود ، بلکه به منظور ثبت لیست هدایایی بود که دریافت کرده بودند . دسته‌ای دیگر از کتابخانه‌های دوره میانه ، برای کنترل مجموعه کتابهای خود در برابر تلف شدن یا دزدیده شدن ، از آنها لیست برمی‌داشتند . «فهرستهای مکتوب شعر گونه‌ای نیز وجود داشت که نشان می‌دهد راهبان جوان موظف بودند صورت اسامی آثار کتابخانه را از بر کنند . تنها در دیرهای بزرگ است که ما به فهرستهای واقعی یا به عبارت دیگر به راهنمای محتویات جای کتابهای موجود و قابل استفاده بر می‌خوریم . بدین ترتیب ، اولین فهرستهای دوره میانه ، فهرست قفسه‌ای صرف بود . ثبت و صورتبرداری از کتب بر حسب نام نویسنده و موضوع مواردی بود که بعدها با گسترش کار فهرستنویسی به موارد قبل اضافه شد .»<sup>۹</sup>

با ظهور چاپخانه و دستاورد آن - کتابهای چاپی - حجم مواد نوشتاری به طور مداوم رو به افزایش گذاشت . کتابها نه تنها متناسب با امکانات مردم عادی ارزان شدند ، بلکه در جهت تنوع نیز گسترش یافتند . کتابفروشان با دادن اطلاعاتی نظیر اندازه کتاب ، تعدادصفحه ها ، نوع صحافی ، قیمت و نیز شرح کوتاهی در باره کتاب و محتویات آن در فهرست یا کاتالوگهای خود ، معیارهای ثابت و مشخصی برای توصیف کتب وضع کردند . طولی نکشید که کتابخانه ها در معرف فهرستهای خود هنگام توصیف کتاب ، کم و بیش به نحوی وسیع از این شیوه تقلید کردند . و بدین ترتیب به خوانندگان خود کمک کردند تا ، مشخصات کتب را از طریق فهرست آنها در یابند . با رشد روز افزون تعداد نشریات ادواری بخصوص در زمینه علوم و تکنولوژی لازم بود که از شیوه ها و معیارهای جدیدتری برای توصیف استفاده شود .

چند و چون انتظاراتی را که متخصصان و دانشمندان امروز ، از فهرستنویسی دارند ، می توان از نظریاتی که ویلیام ب . همیلتون استاد تاریخ دانشگاه دوک Duke و جوزف س . فروتن Fruton استاد بیوشیمی دانشگاه ییل Yale در این مورد داده اند دریافت :  
( ( بخشی از توقعات همکارانم را از فهرست ، چنان که خود گرد آورده ام ، در ذیل به نظر میرسانم .

- فهرست در پاره ای موارد به حکم مقتضیات و مسئولیتهای محلی ، باید یک کتابشناسی جامع درحول موضوع معینی به دست دهد .
- فهرست باید بخش اعظم موضوعها را به کسی که راه دستیابی به آنها را نمی داند ، عرضه دارد .
- فهرست باید پژوهنده را به آثار و کلیدهایی راهنمایی کند که او را به کشف کامل جنبه های دیگر موضوعش هدایت کنند .
- فهرست باید موجودی کتابخانه را زیر سر عنوانهای موضوعی ، چنان ثبت کند که ، هم جستجوگر کم مهارت و هم ، کسی که از قوانین سر عنوانهای موضوعی اطلاعات چندانی ندارد ، بتواند آنها را بفهمد .
- فهرست باید برای موضوعها یا عناوینی که بر زبان هر شخص جاری است سر عنوان داشته باشد .
- فهرست نباید از روی بدعت به اجزا جدا از هم ، تجزیه شده و پراکنده باشد . یک فهرست فرهنگی واحد پژوهنده را به سادگی یک فهرست تجزیه شده به موضوعها ، نویسنده - عنوان ، ادواریها اسناد ، مجموعه های ویژه و غیره ، به زحمت نمی اندازد و نمی فریبد . در خصوص آن بخش از فهرستنویسی که فهرستنویسی توصیفی خواننده می شود ، لازم است فقط تصریح کنم که فهرست برگه ای برای بیشتر متخصصان علوم ، اهمیتی ثانوی دارد و از آن مانند صورت بازیابی ، برای تعیین محل موادی که نمی توان آنها را به آسانی در قفسه ها یافت استفاده می شود : یا به علت که از این مواد اشخاص دیگری استفاده می کنند ، یا رده بندیشان روشن و دقیق نیست و یا به علل دیگر . نیز روشن است که فهرستباید به مقاصد اداری بازبینی شود -

بخصوص در ارتباط با سفارش کتاب . آشکار است که فهرست برگه ای برای بازیابی کتابها لازم است . در پشت این واقعیت ، سؤال ساده ای نهفته است و آن این است که جزئیات معرفیها در فهرست برگه ای چگونه باید باشد .

متخصص در علوم مایل است که تمام جزئیات برگه فهرست ، دقیق و قابل اعتماد باشد ، اما وقتی شرط انجام گرفت ، دیگر رو به مقدار اطلاعی که بتواند در امر شناسایی آن مدرک کفایت کند مانع خواهد بود . افزون بر این او به آنچنان فهرست نویسی ای نیازمند است که دستیابی بهکتب و مجلات را به سریعترین حد ممکن آسان سازد . ۱۰

ما از فهرست انتظار داریم که جوابگوی انواع خواسته های کتابشناختی باشد ، و تا حد ممکن بدون ارجاع جستجو به انواع دیگر خدمات کتابخانه . اما این خواسته ، خواسته ای قابل تأیید یا دفاع نیست ، زیرا فهرست کتابخانه ، تا حد وسیعی به سفارش ، آماده سازی ، بازیابی قفسه ، رسیدگی ، تجدید نظر ، تصفیه و کارهای دیگری که در کتابخانه انجام می شود بستگی دارد . یک فهرست کتابخانه ای نوین از نوع مطلوب ، آنچه را که کتابخانه از مشخصات منابع خود ثبت کرده با نظری به امر تسهیل بازیابی آن برای مطالعه و تحقیق ، در معرض دید می گذارد ، مانند ابراری قابل اعتماد در رساندن اندیشه ها و موضوعهای کتب مختلف به خوانندگانی که از کتابخانه استفاده می کنند خدمت می کند ، اطلاعات کتابشناختی اساسی را برای مطالعه و تحقیق نظام یافته عرضه می کند . همچنین به عنوان کتابشناسی گزیده از نویسندگان و موضوع عمل می کند .

ویژگیهایی که در بالا برای فهرستهای کتابخانه ای جدید برشمردیم ، آن را از فهرستهای دوره کهن و دوره میانه که چیزی بیش از سیاهه اسامی مجموعه های کتابخانه نبود متمایز میکند . رف برگه ها و دفترهای ثبتی که امروزه ، در کتابخانه ها نگهداری می شوند ، همان وظیفه صورت اسامی موجود در کتابخانه را از دوشش بر می دارند . این طبیعی است که همچنان که تدریجاً خواننده کتب اهمیتش از خود کتابها بیشتر شد ، اهداف تهیه فهرست کتابخانه نیز ، از اینکه صرفاً صورت اسامی موجودی کتابخانه را به دست دهد ، به عاملی جهت بازیابی و تعیین محل مدرک یا گروه مدارک خاصی از مجموعه کتابخانه تبدیل شده است ، که این خود اکنون از مهمترین وظایف فهرست کتابخانه است . برگه فهرست می تواند ، انواع متعددی از اطلاعات مربوط به مولف ، همکارانش ، موضوعها و عناوین ، شکل و ظواهر مختلف و جوانب دیگر کتاب را ارائه دهد .

در اینجا ، اگر به این نکته توجه شود طبیعی است که : آیا کتابشناسیهای خاص آماده و طبق ضوابط و جامعی که از نویسندگان ها و موضوعهای مختلف تهیه می شود و در آنها از عناوین کتبی که در محدوده آنها قرار میگیرد توصیف و ارزیابی کاملی ارائه شده ، می توانند مکمل فهرست کتابخانه محسوب شوند و یا جز اطلاعات اضافی و بی ارزشی از موجودی کتابخانه چیزی عرضه نمی کنند .

آشکار است که کتابشناسیها محدود به حدود مجموعه معینی نمی شوند. پس گرد آورنده کتابشناسی، اگر چه برآن می شود که موضوع خاصی را برگزیند، آمار کار او در پایان تا حدی کلی خواهد شد، ولی زمینه کار فهرستنویسی به آثاری محدود است که هر کتابخانه، آنها را مناسب تهیه و نگهداری در مجموعه خود می داند. تعداد کثیری از کتابخانه های کوچک هستند که تهیه کتابشناسی را که با ارزش و علمی نمی بیند. در چنین شرایطی، بایستی روی جزئیات فهرست کتابخانه کاملاً تاکید شود تا، فهم فهرست بتواند در عین حال وظایف لیست بازیابی کتابها، و کتابشناسی را باهم انجام دهد. اما در نظام کتابخانه های بزرگ می بینیم که عناوین موجود در فهرست، ممکن است نسبت بزرگی از عناوین را که کتابشناسیها در بر دارند ارائه کنند. به عنوان مثال، میتوان از فهرست کتابهای چاپی موزه برتانیای یا از فهرست کتابخانه لندن نام برد.

« در مؤسسه کلمبیا، استادفریری Frarey گزارش داده است که مطالعات روی پوشش موضوعی فهرستها و کتابشناسیها، میزان تکراری از ۷۵ درصد تا ۹۰ درصد را نشان می دهند.»<sup>۱۱</sup>

مطمئناً اینجا فهرست کتابخانه، به ابزاری ثانوی بدل می شود. اگر کتابخانه ها، در نظم دادن کتابها از روشی منطبق با نحوه تنظیم عناوین کتابشناسیها پیروی کنند، و نشانه هایی برای عناوین موجودی خود وضع کنند، به نظر می آید که دیگر به فهرست مستقلی برای کتابخانه نیاز نباشد.

گرایش جدید در به کارگیری سیستم قفسه باز، در کتابخانه ها و پیروی از نظامهای رده بندی مناسب برای تنظیم و عرضه کتابها، به تدریج به کم شدن اعتماد خواننده به فهرست انجامیده است. آيا زمان آن نرسیده است که در دامنه اهمیت فهرست و اینکه از خصوصیتی برخوردار است که جانشینی برایش متصور نیست، تجدید نظر کنیم. بویژه هنگامی که هزینه های فزاینده فهرستنویسی و تاخیری که در این روش به دنبال دارد، پدیده عام و مزمنی در کتابخانه های بزرگ و کوچک هر دو شده است؟

« به نظرم می رسد که روند ارزشیابی مجدد سازمان کتابخانه می تواند، با فهرستنویسان و مدیران متساویا شروع شود. اگر آنچه را که در بخش فهرستنویسی انجام می شود، با دقت بررسی کنیم و از خویشتن بیرسیم چرا فهرست می کنیم اگر دلایل عنوان شده را واقعاً قانع کننده ببابیم یا نه، این دلایل توجیه صرف فعالیتی باشند که دیگر چون گذشته، تحسین برانگیز و واجب محسوب نمی شود، ما عملاً قادر خواهیم بود که درجهت تغییر خط مشی کتابخانه پیشنهادهایی بدهیم که نتایجش، نه تنها عاید بخش خدمات فهرستنویسی خواهد شد، بلکه برای مراحل و تشریفات دیگر کتابخانه نیز سودمند خواهد افتاد. اگر از خود بیرسیم که آیا واقعاً فهرستنویسی تا ابد لازم است؟ خواهیم دید که چنین انجام می شود. زیرا ما در تمام کتابها، ارزش تحقیقی بالقوه ای برای آتیه فائلیم و آنها را دور نمی اندازیم بلکه به انبار تبعیدشان می کنیم.»<sup>۱۲</sup>

اهداف فهرست‌نویس و شیوه‌های آن می‌بایست، نه به شکلی یکنواخت و یکسان در همه جا، بلکه برابر نیازهای ویژه هر کتابخانه و شرایط آن تعیین گردد. اما وظایف اساسی یک فهرست که چنین است:

« تعیین دقیق و سریع اینکه در مجموعه کتابخانه با نام مولف یا عنوان معین مدرکی وجود دارد یا نه و اگر وجود دارد جای آن کجاست، و نیز تعیین دقیق و سریع موادی که در کتابخانه درباره موضوعی معین وجود دارد و جای آن» ۱۳ همچنان بدون تغییر خواهد ماند.

در کشور ما هند هزارها کتابخانه هست. این کتابخانه‌ها از طریق مؤسسات خصوصی، عمومی، آموزشگاهی، دانشکده‌ای و دانشگاهی اداره می‌شوند و پاره‌ای از آنها از مجموعه‌های بزرگ برخوردارند تعدادی از آنها قریب یک قرن است که انجام وظیفه می‌کنند. همه این کتابخانه‌ها، گردآوری و ذخیره‌سازی کتابها را مطابق توان و منابع خود انجام داده‌اند. بررسی کار این کتابخانه‌ها، به راحتی نشان خواهد داد، که وقت، زحمت و بودجه‌ای که صرف کتابها شده نتایجی به بار نیاورده است که با آن وقت و زحمت و بودجه برابری کند، زیرا کتابها یی که خوانندگان می‌خواهند در این کتابخانه‌ها موجود نیست. و از آنجا که تعیین کتابها کار آسانی نیست، کتابهای مورد نیاز هم به راحتی در دسترس قرار نمی‌گیرد. ارزش و وجهه کتابخانه - چه بزرگ باشد چه کوچک - به کار آبی آن در طی زمان بستگی دارد. مردمی که دنبال حقیقت، یا اطلاعاتی در یک صفحه چاپ شده هستند، حق دارند جوای کتاب مناسبی باشند که آن اطلاع را دربر دارد. اگر کتابخانه هنگام تقاضای کتاب نتواند آن را ارائه دهد، کارش به عنوان یک کتابخانه تمام است و تبدیل به انبار کتاب می‌شود. هیچ کتابخانه‌ای - از هر نوع که باشد - نمی‌تواند در ادای این وظیفه اساسی مسامحه کند، زیرا این وظیفه، علت وجودی کتابخانه‌ها و یکی از مهمترین ضمانتهای آینده آنها را تشکیل میدهد.

اگر کتابخانه‌ها، شوقی به عملی ساختن این هدف به بهترین وجه آن دارند، جز تهیه فهرستی کارآمد برای موجودی خود راه کوتاه دیگری در پیش ندارند. ممکن است برخی بپرسند این کتابخانه‌ها در طول این مدت چه می‌کردند؟ آیا برای مجموعه کتابهای خود فهرستهایی ندارند؟ جواب این پرسش مثبت است. پس چرا نمی‌توان از آنها، آن نوع اطلاعاتی را که مورد نیاز است به دست آورد؟ می‌توان پاسخ داد که فهرستهای حاضر، نه برای برآوردن این وظیفه طراحی شده و نه گردآوری شده‌اند. پرسشگر ادامه می‌دهد و می‌پرسد: «پس اصلاً چرا بوجود آمده‌اند و چه کسی آنها را بوجود آورده است؟» جواب این است: «شکی نیست که این فهرستها با کوشش و زحمت فراوان بوجود آمده‌اند، اما کسانی که آنها را پایه گذاشته‌اند، هنر گردآوری فهرست کتابخانه را نمی‌دانسته‌اند و برای این بود که فهرستها در مسیرهای مختلفی افتاده‌اند.» و به جای آنکه در کارهدایت و



راهنمایی استفاده کننده باشند ، ابزار گمراه کننده ای شدند که خوانندگان را گیج و مایوس می کردند . آنگاه خواننده غیر قانع ، حکم به عدم صلاحیت کتابخانه می دهد و اعتقاد می یابد که هر تلاشی برای نگهداری آن به خرج عمومی عبث است .

مسلم است که چنین احساسی از جانب مردم برای موجودیت و آینده کتابخانه ها و کتابداران مهلک است . اگر بخواهیم به شکلی نهایی براین نمود ناخواسته چیره شویم ، در برابر خود فقط یک چاره جدی می یابیم و آن تهیه فهرستی رضایتبخش ، ساده ، کارآمد و مفید از کتابهای کتابخانه است . برای هر کتابخانه ضروری است که پیش از اضافه کردن کتاب جدید ، یک چنین فهرست قابل اعتمادی از مجموعه موجود خود ترتیب دهد . اگر فهرست کتابخانه ، بر اساس اصول صحیحی ترتیب یابد ، بقای آن درآتیه به عنوان ابزاری کارآیی تضمین می شود . در این سخن ، حقیقت وسیعی نهفته است که می گویند فهرست خوب ، چون کلیدی برای باز کردن محتویات بسته کتابخانه است : تعداد خوانندگان را افزایش می دهد ، باعث صرفه جویی در وقت و هزینه مردم و کارکنان کتابخانه می شود ، منابع کتابخانه را حفظ میکند و عامل و فزاینده شهرت کتابخانه می شود و منزلت آن را بالا می برد . زیرا معیار حقیقی ارزش کتابخانه ، نه درتعداد کتابهای آن است ، نه در ساختمان عریض و طویل آن و نه در بودجه هنگفت آن ، بلکه در خدماتی است که می تواند به خواننده در طی زمان ارائه دهد . از این رو فهرست خوب ابزار ضروری هر کتابخانه است و در طرح و پی ریزی و فراهم آوردن آن ، می بایست توجهی کامل مبذول گردد .

در کنار این ارزش عملی ، فهرست ارزشی تاریخی نیز دارد ، زیرا یکی از اسناد اصلی تاریخ کتابخانه است . « غالباً تنها سندی است که همپای حوادث زمان آمده است . همچنین قاعدتاً تنها ابزاری است که دسترسی به آن ، برای مطالعه از سایر ابزار آسانتر است . اگر چه ما نمی توانیم آن را پیوسته به طور کامل تفسیر کنیم ، اما برای ما هدایا و تهیه و سفارش مدارک را ثبت می کند ، به ما در فهم یا پیگیری رشد کتابخانه ، و اندیشه حاکم برسیاست خرید و ترتیب کتابها یاری می دهد . تاریخ کتابخانه می تواند بخش با ارزشی از تاریخ فرهنگی باشد و در پرتو پیشینه ای فراگیر حتی می تواند با ارزشتر شود .» ۱۴

فهرستهای ۱۶۰۵ و ۱۶۲۰ بادلیان Bodleian و فهرستهای موزه بریتانیا و فهرستهای دانشگاه لیدن از ۱۹۵۵ تا ۱۷۴۱ و فهرست کتابخانه ملی پاریس - Biblio theque National de Paris مثالهای بارزی هستند که دیدگاههای فرهنگی تاریخ عصر خود را به ما نشان می دهند .

ظاهراً فهرستهای کتابخانه های خصوصی - به عنوان منابع اطلاعاتی - باید برای نویسندگان تاریخ اندیشه ، ارزشی بیش از فهرستهای سازمانها و موسسات داشته باشند . زیرا در حالی که سازمانها و موسسات معمولاً کتابها را با معیاری معین و استاندارد جمع میکنند که به اهدافی که برای آن به وجود آمده اند مربوط است ، کتابخانه های خصوصی ممکن است ، کتابهایی غیر عادی

با سرشتی ویژه را در بر بگیرند و به زمینه کشف ناشده ای بپردازند که برای مطالعه آکادمیک ارزش بسیاری داشته باشد. معلوم شده که در تهیه این فهرستها، معمولاً از یک ترتیب رده بندی شده، استفاده شده است. در ضمن، می توانند اطلاعاتی دربارهٔ اینکه (( افراد در زمان پیشین چه می نوشتند و چه می خریدند، چه می خواندند و به چه می اندیشیدند )) ارائه دهند. علاوه بر این، سلیقه و علایق گرد آورندگان کتابها را نیز نشان می دهند. گذشته از ارزش تاریخی و ارجاعی، این فهرستها می توانند به مقاصد متنوع دیگری از قبیل تعیین نام مولفان و عنوانها، تعیین ارزش مادی کتابها، انتخاب کتاب در موضعی معین، بررسی صنعت و تجارت کتاب و بررسی رشد و توسعه کتابخانه های مربوطه نیز خدمت کنند. کوتاه آنکه، فهرستها نیابت و جانشینی کتابهای آن کتابخانه ها را که دیگر اشیائی متعلق به گذاشته اند بر عهده دارند. و می توانند پرسشهای گوناگون را به خاموشی و فروتنی پاسخ گویند.

مورخ آینده تمدن ما، شاید فهرستهای کتابخانه های ما را به عنوان منابع اطلاعاتی منعکس کننده آمال و آرمانهای فکری نسل ما تلقی کند. بنابراین، بر فهرست نویسان است که دریابند تنها به جامعه خوانندگان حاضر خدمت نمی کنند، بلکه برای رفع نیازهای جامعهٔ فرهیختهٔ آینده نیز می کوشند.

## ارجاعات

- 1 J.H. Shera and M. E. Egan . The Classified Catalog. Chicago , American Library Association , 1956 , p.1,
- 2.Ibid.
3. Maurice F . Tauber . ed . “Current Trends in Cataloguing and Classification ,” Library Trends, v. 2: 2, Oct. 1953 , p. 174 .
- 4.John Willis Clark . The Care of Books . Cambridge University Press , 1909 , p . 21.
- 5.Ruth F. Strout . “The Development of the Catalog and Cataloging Codes, ”Library Quarterly, XXVI, 4,Oct, 1956, p. 257.
- 6.Edward Alexander Parsons . The Alexandrian Library . London cleaver - Hume Press , 1952, pp.217-218.
- 7.John Willis Clark . The Care of Books . Cambridge University Press , 1909, p. 200 . 8.Ibid , p. 214.
- 9.James Westfall Thompson . The Medieval Library . N . Y. Hafner Pub. Co. , 1957 , p.613 .
- 10.Edwin E. Williams ed . Problems and Prospectx of the Research Library . N.Y., the Scarecrow Press, 1956.pp.67,74.
- 11.Paul S. Dunkin . “Criticisms of Current Cataloging Practice ,” Library Quarterly . XXVI,4,Oct, 1956, p295
- 12.Mary Piggott. Cataloguning Principles and Practice : an Inquiry . Lond . Library Association , 1954, pp. 6- 7.

13.J.H.Shera and M.F.Egan. The classified Catalog. American Library Association , 1956, p. 9.

14.Archer Taylor . Book Catalogues : their Verities and Uses. Chicago, the Newberry Library , 1957, p.149.